

پدر ما ابراهیم

درس دوم

زندگی ابراهیم: معنای اولیه



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پدر ما ابراهیم (درس شماره ۲: زندگی ابراهیم: معنای اولیه)

مدرس: ریچارد پرت

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیوندها

معنی

انواع

پیش‌زمینه‌ها

الگوها

پیش‌سایه‌ها

جمع‌بندی

(۳) معانی ضمنی

تاثیر اولیه

مضامین اصلی

فیض الهی

وفاداری به ابراهیم

برکت به ابراهیم

برکت از طریق ابراهیم

پنج مرحله

پیشینه و تجارب اولیه

روابط اولیه با دیگران

عهد با خدا

روابط متاخر با دیگران

ذریت و مرگ

(۴) نتیجه‌گیری

معنای اولیه

مقدمه

پیروان خالص و صادق مسیح کتاب مقدس را دوست دارند. ما می‌دانیم که کتب موجود در کلام خدا به طرق مختلف و بسیار شخصی با زندگی ما ارتباط برقرار می‌کنند. این واقعیت ارزشمندی درباره کتاب مقدس است که مسیحیان هرگز نباید آن را فراموش کنند. اما خیلی وقت‌ها همین جنبه شگرف شخصی از کتاب مقدس در واقع می‌تواند باعث شود که ما از چیزی که همیشه باید به یاد بسپاریم غافل شویم. کتاب مقدس مستقیماً برای من یا شما نوشته نشده است. در وهله اول، کتاب مقدس برای افراد دیگری نوشته شد که هزاران سال پیش زندگی می‌کردند. بنابراین در عین اینکه سعی می‌کنیم کاربرد امروزی کتاب مقدس را درک کنیم باید همیشه مدنظر داشته باشیم که کاربرد امروزی را باید بر معنی اصلی و اولیه کتاب مقدس بنا کنیم.

این مجموعه‌ای از دروس است که ما آن را پدر ما/ ابراهیم نام‌گذاری کردیم. در این دروس، شرح زندگی ابراهیم که در پیدایش ۱۱: ۱۰ تا ۱۸: ۲۵ آمده را بررسی خواهیم کرد.

این دومین درس از سه درس مقدماتی است و ما این درس را «زندگی ابراهیم: معنای اولیه» نامیده‌ایم. در این درس به اهمیت مطالعه داستان زندگی ابراهیم در پرتو زمان نگارش و مخاطبین داستان خواهیم پرداخت و تاثیر اولیه مورد نظر نویسنده بر روی قوم اسرائیل در زمان همراهی موسی با قوم به سوی سرزمین موعود را بررسی خواهیم کرد.

برای یافتن معنای اولیه در کتاب پیدایش ۱۱: ۱۰ تا ۱۸: ۲۵ به دو مورد مهم نگاهی می‌کنیم. اول، به این نکته می‌پردازیم که موسی چگونه تاریخ زندگی ابراهیم را با تجارب مخاطبین خود پیوند داد و دوم، اشاراتی که این پیوندها برای مخاطب اولیه داشته را خلاصه‌وار بیان می‌کنیم.

پیش از اینکه به معنای اولیه زندگی ابراهیم نگاه کنیم، بهتر است با نگاهی گذرا، درس گذشته را مرور کنیم. ما تا به حال به دو نکته اساسی توجه خاصی داشتیم. اول، گفتیم که پیدایش ۱۲: ۱-۳، چهار موضوع اصلی داستان زندگی ابراهیم را آشکار می‌کند. نیکویی خدا نسبت به ابراهیم (خدا به طرق مختلف ابراهیم را مورد لطف خودش قرار داد)، مسئولیت ابراهیم در قبال خدا و وفاداری نسبت به او (خدا به طرق مختلف از ابراهیم خواست تا نسبت به او وفادار بماند)، برکت خدا به ابراهیم (وعدۀ قوم عظیم، ذریت بی‌شمار، زمین و نام نیکو) و برکت دیگران از طریق ابراهیم (وعدۀ‌ای که به ابراهیم داده شد که او برکت همه اقوام روی زمین خواهد شد).

علاوه بر این، همچنین دیدیم که این موضوعات اصلی به نوع داستان‌گویی زندگی ابراهیم در کتاب پیدایش شکل بخشیدند. همچنین دیدیم که داستان زندگی ابراهیم به پنج قدم یا بخش متقارن تقسیم شده است. اول، با سابقه ابراهیم و تجارب اولیه او در ۱۱: ۱۰ تا ۱۲: ۹، شروع می‌کنیم. دوم، چندین واقعه که تعامل اولیه ابراهیم با نمایندگان سایر ملل در ۱۲: ۱۰ تا ۱۴: ۲۴ متمرکز شده است. سوم، که قسمت اصلی زندگی ابراهیم است، بر عهده‌ی که خدا در ۱۵: ۱ تا ۱۷: ۲۷ با ابراهیم بسته است تمرکز می‌کند. بخش چهارم زندگی ابراهیم به تماس و تعاملات بعدی ابراهیم که با نمایندگان سایر ملل در ۱۸: ۱ تا ۲۱: ۳۴ داشت، اختصاص یافته و بخش پنجم به اعقاب ابراهیم و مرگش در ۲۲: ۱ تا ۲۵: ۱۸ می‌پردازد.

این پنج مرحله، زندگی پاتریارک را در یک الگوی متقارن نشان می‌دهد. قست سوم در ۱۵: ۱ تا ۱۷: ۲۷ که به عهد خدا با ابراهیم می‌پردازد، بخش اصلی زندگی ابراهیم به شمار می‌آید. بخش‌های دوم و چهارم با هم مشابه‌اند و هر دو بر تعامل ابراهیم با سایر ملل تمرکز دارند. بخش اول و آخر با هم مشابه‌اند، مضاف بر اینکه با ارائه پایانی بر زندگی ابراهیم، ردپای خانواده او را از گذشته تا آینده دنبال می‌کند.

از بسیاری جهات، این درس بر پایه چنین دیدگاهی به کتاب مقدس و محتوای زندگی ابراهیم شکل خواهد گرفت. با این زمینه فکری، آماده‌ایم که به موضوع اصلی این درس یعنی معنای اولیه زندگی ابراهیم در کتاب پیدایش بپردازیم. بیایید با پیوندهای موجود بین داستان‌های ابراهیم و تجارب اسرائیلیانی که برای اولین بار این داستان‌ها را در اختیار داشتند، شروع کنیم.

پیوندها

در این سری از دروس، ما تفسیرمان را از زندگی ابراهیم بر این اساس قرار می‌دهیم که این داستان‌ها در اصل در زمان موسی نوشته شده و اساساً همان‌هایی هستند که امروز در اختیار ماست. بیشتر محققان منتقد بر این باور هستند که این داستان‌ها در زمان موسی نوشته نشده بود، اما سایر قسمت‌های کتاب مقدس و نیز خود عیسی تاکید می‌کنند که موسی پیدایش را نوشته است و به همین دلیل است که مسیحیان عصر حاضر نیز باید بپذیرند که موسی نویسنده این کتاب است. اما در این دوره از دروس، ما پا را یک قدم فراتر می‌گذاریم؛ نه فقط می‌خواهیم این حقیقت را دریابیم که موسی این داستان‌ها را نوشته بلکه می‌خواهیم بدانیم که چرا آنها را نوشته است. دید او به زندگی ابراهیم چگونه بود؟ هدف او از نوشتن چه بود؟ یکی از بهترین شیوه‌ها برای شروع بررسی معنای اولیه زندگی ابراهیم این است که به روش‌های موسی برای پیوند دادن داستان‌هایش درباره ابراهیم با خوانندگان اولیه‌اش یعنی اسرائیلیانی که او را از مصر به سمت سرزمین وعده همراهی می‌کردند نگاهی بیندازیم.

برای اینکه دریابیم چگونه موسی داستان‌هایش درباره ابراهیم را با خوانندگان اولیه‌اش، مربوط ساخته، به سه مطلب اشاره خواهیم کرد: اولاً، در خواهیم یافت که وقتی از این پیوندها سخن می‌گوییم منظورمان چیست. دوماً، به پیوندهای مشابهی که در داستان‌های زندگی ابراهیم آمده است نگاهی خواهیم انداخت و سوم، با توجه به هر یک از پنج مرحله اصلی در ساختار زندگی ابراهیم، پیوند میان این داستان‌ها را خلاصه‌وار بیان خواهیم کرد. بیایید با معنی پیوند و ارتباط درس را شروع کنیم.

معنی

از بسیاری جهات، وقتی موسی شرح زندگی ابراهیم را می‌نوشت، خود را در موقعیتی می‌یافت که همه نویسندگان داستان‌های کتاب مقدس خود را در آن می‌یافتند. او میان دو دنیا قرار گرفت. از یک سو، موسی به روایاتی دست یافت که ما آن را «آن دنیا» می‌نامیم یعنی دنیای ابراهیم. او از آنچه ۵۰۰-۶۰۰ سال پیشتر در زندگی ابراهیم روی داده بود اطلاع داشت. موسی هم از طریق روایت‌های موجود و هم از طریق مکاشفه ماورالطبیعه از جانب خدا از داستان زندگی ابراهیم مطلع بود. به عبارتی، موسی در وهله اول به دنیای کهن زندگی ابراهیم پرداخت.

اما از طرف دیگر، دنیایی که خودش در آن زندگی می‌کرد را نیز مدنظر داشت. چیزی که شاید ما آن را «دنیای آنها» بنامیم. یعنی دنیای موسی و اسرائیلیانی که پیرو او بودند. موسی، به عنوان رهبر قوم خدا در آن زمان، داستان‌هایش درباره دنیای کهن زندگی ابراهیم را نوشت تا پاسخی باشد برای نیازهای دنیای آنها. از آنجا که موسی واسطی بود بین «آن دنیا» یعنی دنیای زندگی ابراهیم و «دنیای آنها» یعنی دنیای معاصر او، بین زندگی پاتریارک و زندگی خواندگانش پیوندهایی زد که آنها بتوانند ارتباط بین این دو را درک کنند. به عبارت دیگر، موسی داستان‌هایش را طوری انتخاب کرد و شکل داد که این امکان را به اسرائیلیانی که او را پیروی می‌کردند داد تا به روابط موجود بین زندگی ابراهیم و زندگی‌های آنها پی ببرند. موسی تا حد زیادی با نوشته‌هایش این کار را کرد، طوری که خواندگانش توانستند به تشابهات و تفاوت‌های تجارب عصر ابراهیم و دوره خود پی ببرند. گاه این تشابهات و تفاوت‌ها خیلی کم بودند و گاه خیلی زیاد. اما در هر رویدادی موسی تا حدی توجه را به این گونه روابط بین زندگی ابراهیم و زندگی‌های خوانندگان اولیه‌اش معطوف می‌کرد.

حال که ما ایده اساسی و مفهوم اصلی پیوندها را فهمیدیم، بیایید به موضوع دوم یعنی انواع پیوندهایی که موسی بین زندگی ابراهیم و تجارب خوانندگان اسرائیلی اولیه‌اش قائل شد بپردازیم.

انواع

برای اینکه هر داستانی برای خوانندگان معنادار باشد، باید دنیایی را به تصویر بکشد که خوانندگان بتوانند آن را درک کنند. اگر دنیای داستان کاملاً با دنیای حقیقی متفاوت باشد، و اگر خوانندگان نتوانند با شخصیت‌ها و موضوعات داستان ارتباط برقرار کنند، داستان نیز با خواننده ارتباط برقرار نخواهد کرد. به عبارت دیگر، به اصطلاح ما در این درس، اگر «آن جهان» یعنی دنیای ابراهیم با «دنیای آنها» یعنی دنیای موسی و اسرائیلیان، کاملاً فرق داشت، دیگر داستان زندگی ابراهیم ربطی به اسرائیلیان نداشت و برای‌شان نامفهوم بود. بنابراین موسی تلاش کرد تا بین دنیای ابراهیم و دنیای اسرائیلیانی که به سمت سرزمین وعده در حرکت بودند پیوندی برقرار کند.

سوالی که در این درس برای ما مطرح می‌شود این است که چگونه موسی این روابط را روشن ساخت. چگونه داستان‌هایش دربارهٔ ابراهیم را طوری شکل داد که به دنیای خوانندگانش مربوط شوند؟ همینطور که در این درس‌ها پیش می‌رویم، خواهیم دید که موسی به سه روش عمده نوشته‌هایش را با تجارب اسرائیلیان ربط می‌دهد. اولاً، او داستان‌هایش را به گونه‌ای نوشت که با اسرائیلیان دربارهٔ سابقهٔ تاریخی چیزهایی که آنها تجربه کرده بودند، سخن بگوید. دوماً، او به گونه‌ای نوشت که روایت‌های او الگو و نمونه‌ای برای اطاعت یا بازداری اسرائیلیان تأمین کنند. و سوم اینکه، او طوری نوشت که نشان دهد بیشتر تجربیات پاتریارک پیش‌سایه یا پیش‌اشاره‌ای بر تجربیات اسرائیلیان بود. از آنجا که ما در دروس آتی بارها به این نوع پیوندها رجوع خواهیم کرد، باید با هر سه روش کاربردی موسی برای پیوند بین زندگی ابراهیم و خوانندگان اولیه‌اش آشنا شویم. بیایید اول نگاهی بیاندازیم به اینکه چگونه زندگی ابراهیم سابقهٔ تجربی برای اسرائیل در زمان موسی فراهم می‌کند.

پیش‌زمینه‌ها

از بسیاری جهات، پیش‌زمینه از همهٔ موارد برای شناسایی راحت‌تر است. برای افراد در هر مرحله از زندگی کاملاً عادی است که داستان‌هایی را با هدف اصلی شرح وقایع یا پیش‌زمینه‌های تاریخی تجربه‌های پیشین برای یکدیگر نقل کنند. پدر و مادرها اغلب در رابطه با بچه‌ها این کار را انجام می‌دهند، معلمان با این روش تدریس می‌کنند، کشیشان و حتی رهبران سیاسی این کار را می‌کنند. ما اغلب از طریق جلب توجه مخاطبان خود، موضوعات و تجارب گذشته را به زندگی آنها ربط می‌دهیم.

حال در مورد زندگی ابراهیم، این روابط را می‌توانیم به این نحو توضیح دهیم: ما زمانی به رابطهٔ سابقهٔ تاریخی پی می‌بریم که موسی به این نکته اشاره می‌کند که از نظر تاریخی تجربیات اسرائیل به چه شکل ریشه در زندگی ابراهیم دارد. برای مثال، روشی که موسی برای توضیح سابقهٔ تاریخی نظریهٔ کنعان به عنوان سرزمین

اسرائیل به کار برد. به خاطر می‌آورید که چندین بار اسرائیلیان در طول سفر جویا شدند که چرا باید این همه راه را به سوی سرزمین کنعان بروند؟ چرا موسی به آنان اجازه نداد که تا وارد شدن به آن سرزمین توقف کنند؟ هرچند وقت یک‌بار، موسی با تصریح جزئیاتی مسلم دربارهٔ سابقهٔ تاریخی زندگی ابراهیم دربارهٔ این موضوع صحبت می‌کرد. به طور خلاصه او نشان داد که خدا سرزمینی در کنعان به طور خاص به ابراهیم داده بود تا اسرائیلیان بتوانند درک کنند که چرا او اصرار دارد که آنها نیز سرزمینی در کنعان دارند. برای مثال، در پیدایش ۱۵: ۱۸ می‌خوانیم که خدا با این کلمات با ابراهیم سخن می‌گوید:

این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده‌ام (پیدایش ۱۵: ۱۸).

این عبارت سابقهٔ اصلی یا تاریخی برای پافشاری موسی در مورد مالکیت اسرائیل بر کنعان را مشخص می‌کند. خدا آن سرزمین را به پدربزرگ اسرائیل داده بود و او نیز آن را به ذریتش بخشیده بود پس سکونت در سرزمینی دیگر ممکن و متصور نبود.

وقتی جزئیات بیشتری از زندگی ابراهیم را بررسی کنیم خواهیم دید که موسی بارها به این نوع سابقه‌های تاریخی اشاره می‌کند. دومین روش اصلی که موسی زندگی ابراهیم را با اسرائیل در زمان خود پیوند می‌داد نشان دادن الگوهایی به آنان بود. بیایید ببینیم چگونه تاملین الگو در این داستان‌ها عمل می‌کند.

الگوها

موسی نمی‌خواست که خوانندگان اولیه‌اش داستان‌های ابراهیم را فقط به عنوان اطلاعات یا سوابق در دست داشته باشند. او موقعیت‌های زیادی از زندگی پاتریارک را توصیف می‌کند تا آنها بتوانند تعداد قابل ملاحظه‌ای از تشابهات شرایط زندگی ابراهیم و شرایط زندگی خودشان را ببینند. این تشابهات برای مخاطبان ابراهیم پیامدهای اخلاقی در برداشت. موسی به این تشابهات اشاره می‌کرد تا اسرائیل این امکان را بیابد که نمونه‌هایی برای اطاعت یا پرهیز در اختیار داشته باشد.

داستان‌سرایی برای تاملین الگوها و نمونه‌ها، روشی است معمول برای اینکه داستان‌ها را به شنوندگان مان ربط دهیم. این امر در هر زمانی صورت می‌گیرد، زمانی که در حین انجام کاری به شخصی هشدار می‌دهیم که این کار یا آن کار را نکند، اکثر اوقات داستانی دربارهٔ آخرین باری که کسی مرتکب چنین اشتباهی شد، ضمیمهٔ گفته‌های مان می‌کنیم. اگر به بچه‌ها یاد می‌دهیم که چرا باید در مدرسه سخت‌کوشی و تلاش بیشتری کنند، اغلب با ارائهٔ داستان‌هایی از افرادی که به‌واسطهٔ سخت‌کوشی در مدرسه به موفقیت‌های زیادی دست یافته‌اند، گفتهٔ خود را تصریح می‌کنیم.

موسی اکثراً همین کار را می‌کرد تا داستان‌هایش دربارهٔ ابراهیم را به مخاطبین اسرائیلی اولیه‌اش ربط دهد. او داستان ابراهیم را مطرح می‌کرد تا شخصیت‌هایش الگوهایی باشند که اسرائیل از آنها پیروی یا پرهیز کند. برای مثال، ببینید که چگونه موسی اسرائیل را به بی‌پروایی در مقابل تهدید کنعانیان ساکن سرزمین کنعان تشویق می‌کند. از کتاب پیدایش و تثنیه می‌فهمیم که اسرائیلیان و پیروان موسی به خاطر کنعانیان نیرومند ساکن آن زمین، از ورود به کنعان سر باز می‌زدند. قلب آنان به خاطر کنعانیانی که به نظر دشمنی شکست‌ناپذیر می‌آمدند، مملو از ترس بود. در تثنیه ۱: ۲۶-۲۸ سخنان موسی به اسباط اسرائیل را می‌خوانیم:

لیکن شما نخواستید که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید. و درخیمه‌های خود همه‌مه کرده، گفتید: «چونکه خداوند ما را دشمن داشت، ما را از زمین مصر بیرون آورد، تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده، هلاک سازد و حال کجا برویم چونکه برادران ما دل ما را گداخته، گفتند که این قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصار دار است.» (تثنیه ۱: ۲۶-۲۸).

یکی از روش‌هایی که موسی این ترس از کنعانیان را مورد توجه قرار داد، فراهم کردن مثالی از رویارویی ابراهیم با کنعانیان در زمان خود بود. برای مثال، اولین اشاره به کنعانیان در زندگی ابراهیم را در پیدایش ۱۲: ۶ می‌یابیم:

و ابرام در زمین می‌گشت تا مکان شکیم تا بلوستان موره و در آن وقت کنعانیان در آن زمین بودند. (پیدایش ۱۲: ۶).

و به طریقی مشابه در پیدایش ۱۳: ۷ می‌خوانیم:

و در میان شبانان مواشی ابرام و شبانان مواشی لوط نزاع افتاد و در آن هنگام کنعانیان و فرزندان ساکن زمین بودند. (پیدایش ۱۳: ۷).

چرا موسی دو بار به حضور کنعانیان در زمین وعده در دو رویداد نزدیک به هم اشاره می‌کند؟ یکی از اهداف او این بود که به اسرائیل نشان دهد که موقعیت ابراهیم بسیار شبیه موقعیت آنهاست. کنعانیان در زمان ابراهیم درست مثل زمان موسی در زمین وعده بودند. با این حال، ابراهیم به وعدهٔ خدا ایمان آورد و با جسارت به سوی سرزمینی که کنعانیان در آن ساکن بودند پیش رفت. با این روش موسی خوانندگانش را تشویق کرد تا با

توکل بر وعدهٔ خدا، با وجود اینکه کنعانیان هنوز در آن زمین ساکن بودند، جسارت ابراهیم را سرمشق قرار دهند. به این طریق ابراهیم نمونه‌ای برای پیروی آنان شد.

وقتی بیشتر در زندگی ابراهیم پیش می‌رویم، عبارات زیادی خواهیم یافت که نمونه‌هایی مثبت یا منفی ارائه می‌کنند. اما در مرحلهٔ سوم، بارها موسی با نشان دادن اینکه چگونه اتفاقات زندگی پاتریارک پیش‌سایه یا پیش‌اشاره‌ای به اتفاقات روی داده در زمان اوست، زندگی ابراهیم را به زندگی خوانندگانش ربط می‌دهد.

پیش‌سایه‌ها

از بسیاری جهات، پیوند سابقهٔ تاریخی، برای رسیدن به هدف خود، به شباهت خیلی کمی بین داستان و مخاطبش نیاز دارد. نمونه‌ها و الگوها به شباهت بیشتری بین داستان و مخاطب نیاز دارند تا نمونه‌هایی مربوط و متناسب باشند. اما پیش‌سایه‌ها فقط زمانی روی می‌دهند که تشابهات زیادی وجود داشته باشند، آنقدر که «آن دنیا» یعنی دنیای ابراهیم، تقریباً به‌طور کامل شبیه «دنیای آنها» یعنی دنیای اسرائیل باشد. باید توجه داشت که اینگونه رابطهای جامع به ندرت در داستان‌های زندگی ابراهیم رخ می‌دهند، اما هر از گاهی موسی حوادث روزگار ابراهیم را طوری توصیف می‌کند که دقیقاً به حوادث روزگار خودش شباهت داشته باشد.

اکثر ما این مثل را شنیده‌ایم که «تاریخ تکرار می‌شود». البته همهٔ ما می‌دانیم که دو حادثهٔ تاریخی هیچ وقت کاملاً همانند نیستند. اما گاهی حوادث آنقدر به هم شبیه‌اند که به نظر می‌رسد دومی تکرار اولی است. زمانی که نویسندگان کتاب مقدس می‌بینند حوادث گذشته به نظر تکرار زندگی خوانندگان آنهاست، این پیوند و رابطه را ایجاد می‌کنند. به این فن ادبی، پیش‌سایه گفته می‌شود. (به عبارتی یک اتفاق، خبر از اتفاقی مشابه می‌دهد.) یکی از نمونه‌های پیش‌سایگی در حادثهٔ معروفی که عهد ابراهیم با خدا را شرح می‌دهد، در پیدایش ۱۵: ۱-۲۱ آمده است. خدا با دعوت ابراهیم برای تدارک عهدی آیینی به او اطمینان داد که روزی ذریتش مالک سرزمین کنعان خواهد شد. ابراهیم با دو پاره کردن تعدادی از حیوانات و گذاشتن هر پاره از جسد مقابل پارهٔ دیگر، مهیای عهد شد. پس از آنکه ابراهیم به خواب رفت، رویایی دید شبیه آنچه دقیقاً خوانندگان اولیه در روزگار خود تجربه کرده بودند. در پیدایش ۱۵: ۱۷ اینگونه می‌خوانیم:

و واقع شد که چون آفتاب غروب کرده بود و تاریک شد، تنوری پر دود و چراغی مشتعل از میان آن پاره‌ها گذر نمود (پیدایش ۱۵: ۱۷).

در متنی مفصل‌تر از این عبارت، می‌فهمیم که این تنور پر دود و چراغ مشتعل نمادی بود از خود خدا که از میان پاره‌های آن حیوانات عبور کرد، به عنوان تضمینی بر اینکه قطعا سرزمین وعده را به ذریت ابراهیم می‌بخشد. حال مجسم کنید در پیدایش ۱۵: ۱۷ خدا در برابر ابراهیم چون دود و آتش عبور کرد تا به او اطمینان دهد که خدا سرزمین وعده را به ذریتش می‌بخشد. حالا شاید برای ما به عنوان خوانندگان امروزی به نظر عجیب بیاید که خدا با ظاهر شدن به شکل دود و آتش ابراهیم را از عهدی که با او بسته خاطر جمع کند اما وقتی به یاد می‌آوریم که موسی درباره زندگی ابراهیم برای اسرائیلیانی که در پی او به سمت سرزمین وعده می‌رفتند این داستان‌ها را نوشت، اصلا عجیب نیست که این جزئیات را درج کند. در طول سفر اسرائیلیان، خدا در مقابل اسرائیل طوری ظاهر شد که تنور پر دود و چراغ مشتعل را تداعی می‌کرد. خدا بر آنها نیز، در ابر جلالی که آنان را به سمت سرزمین وعده هدایت می‌کرد، به شکل دود و آتش ظاهر شد.

بنابراین، ظهور خدا از این طریق بر ابراهیم پیش‌سایه راه یا روشی بود که خدا بر اسرائیلیان زمان موسی ظاهر شود و همانطور که ابراهیم به واسطه اینکه خدا به این شکل پیشاپیش او می‌رفت از مالکیت سرزمین وعده خاطر جمع شد، اسرائیلیانی که این داستان را می‌شنیدند نیز باید از مالکیت سرزمین در روزگار خود اطمینان می‌یافتند. پیش‌سایه‌ای دیگر حتی جامع‌تر از این، در واقعه رهایی ابراهیم از مصر که در پیدایش ۱۲: ۱۰-۲۰ آمده، دیده می‌شود. این متن برای راهنمایی اسرائیل در رابطه با دیدگاه‌شان نسبت به مصر نوشته شده بود. در این نمونه، موسی کل حادثه را طوری تفسیر می‌کند که دقیقا با تجربه اسرائیل تحت رهبری‌اش مشابهت دارد. در پیدایش ۱۲: ۱۰-۲۰ ابراهیم به خاطر قحطی‌ای که در سرزمین کنعان به وجود آمد موقتا در مصر سکونت کرد. وقتی فرعون سارای را به حرمسرای خود آورد او در مصر کمی تعلل کرد، اما خدا اهل خانه فرعون را به بلایای سخت گرفتار کرد. سپس فرعون او را از مصر بیرون انداخت و ابراهیم با ثروتی زیادی مصر را ترک کرد.

این داستان ابراهیم دقیقا مطرح شده بود تا پیش‌سایه‌ای برای تجربه نسل بعدی قوم اسرائیل باشد. درست مثل ابراهیم، آنها به خاطر قحطی در زمین کنعان به مصر آمدند، توسط فرعون اسیر شدند و به خاطر بلایای فرستاده شده توسط خدا بر اهل خانه فرعون آزادی را تجربه کردند. فرعون دستور خروج اسرائیل را صادر کرد و اسرائیل درحالی مصر را ترک کرد که اموال مصریان را به تاراج می‌برد. موسی هدفمندانه این داستان را شکل داد تا پیش‌سایه‌ای از تجربیات خوانندگان خودش باشد. این نوع پیش‌سایگی جامع در داستان‌های ابراهیم نادر است، اما چنین رابطه‌هایی اینجا و آنجای داستان ابراهیم به چشم می‌خورند.

با مطالعه زندگی ابراهیم هر سه پیوند را به اشکال مختلف و در زمان‌های مختلف خواهیم دید. موسی با ارائه سابقه تاریخی از تجربیات آنها، فراهم نمودن نمونه‌هایی برای پیروی یا پرهیز آنان و نیز نشان دادن اینکه چگونه زندگی ابراهیم پیش‌سایه بسیاری از تجربیات‌شان بود، «آن دنیا» یعنی دنیای زندگی ابراهیم را با «دنیای آنها» یعنی دنیای خوانندگان اولیه خود مربوط ساخت. حال که ما به انواع پیوندهایی که موسی بین ابراهیم و

خوانندگان اسرائیلی‌اش برقرار می‌کرد پی بردیم، خالی از فایده نیست که هر کدام از مراحل اصلی زندگی ابراهیم که با زندگی خوانندگان اولیه مربوط می‌شوند را خلاصه و جمع‌بندی کنیم.

جمع‌بندی

به یاد دارید که زندگی ابراهیم به پنج مرحله متقارن تقسیم می‌شد. موسی در هر یک از این بخش‌ها راه‌هایی برای پیوند دادن داستان‌های ابراهیم به شرایط خوانندگان اولیه خودش پیدا می‌کرد. اولاً، موسی از وضعیت ابراهیم و تجربیات اولیه‌اش به طوری که با وضعیت و تجربیات اولیه قومی که در پی او از مصر خارج شده بودند مربوط شود، سخن می‌گوید. ابراهیم و اسرائیل هر دو از یک تبار بودند و خدا از هر دو، یعنی هم ابراهیم و هم اسرائیل خواست که در سرزمین کنعان ساکن شوند. بنابراین، موسی سابقه تاریخی را پیش کشید، ابراهیم را به عنوان الگو مطرح کرد و حتی به طریقی نشان داد که زندگی ابراهیم پیش‌سایه‌ای از تجربیات خوانندگان اولیه است.

دوم، موسی همچنین برخورد و تعامل ابراهیم با دیگران را طوری توصیف کرد که به مخاطبانش مربوط شود. او از عکس‌العمل‌های ابراهیم نسبت به مصریان سخن گفت چون اسرائیل در زمان خود با مصریان برخورد داشت. او از ابراهیم و لوط سخن گفت چون اسرائیل با نوادگان لوط، موآبیان و عمونیان برخورد داشت. او از پادشاهانی از شرق و پادشاه کنعانی سدوم نوشت چون اسرائیل تجربیات مشابهی با پادشاهان خارجی و شهرهای کنعانی داشت.

سوم، موسی درباره عهد خدا با ابراهیم نوشت چون اسرائیل نیز وارد عهد با خدا شده بود. ابراهیم از بسیاری جهات پیش‌سایه‌ای بود بر عهدی که خدا با اسرائیل بست. در نگاه چهارم، موسی از برخوردهای بعدی ابراهیم با سایر اقوام نوشت. او درباره مردم سدوم و عموره، لوط و ابی‌ملک فلسطینی نوشت چون اسرائیل در روزگار خود با همان مردم روبرو بود: مردمان شهرهای کنعان، موآبیان و عمونیان و فلسطینیان.

از نگاه پنجم، موسی درباره ذریت و مرگ ابراهیم نوشت طوری که به خوانندگان اسرائیلی‌اش مربوط شود. او بر اسحاق به عنوان پسر و وارث خاص ابراهیم تاکید کرد چون خوانندگان اسرائیلی او از نوادگان اسحاق بودند. او توجه را به سوی زمینی برای خاکسپاری سارای جلب می‌کند چون آن زمین در سرزمینی بود که خدا وعده‌اش را به اسرائیل داده بود. او توجه را به سایر پسران ابراهیم جلب می‌کند که وارث ابراهیم نبودند، مخصوصاً اسمائیل، چون اسرائیل در روزگار خود باید با اسمائیلیان روبرو می‌شد.

پس می‌بینیم که وقتی موسی از ابراهیم می‌نوشت، پیوندهای مختلف زیادی بین داستان‌هایش و تجربیات مخاطبان اسرائیلی خود برقرار کرد. موسی این کار را کرد تا هدایت موثری برای اسرائیلیان در حین پیروی او به سوی سرزمین وعده فراهم کرده باشد.

حال که ما به شیوه‌های اصلی موسی برای پیوند دادن زندگی ابراهیم و مخاطبان اولیه‌اش پی بردیم، لازم است که سوال مهم دیگری درباره‌ی معنای اولیه بپرسیم. این پیوندها برای خوانندگان اولیه چه معنای ضمنی‌ای داشتند؟ آنها از داستان‌های زندگی ابراهیم چه چیزهایی باید یاد می‌گرفتند؟

معنای ضمنی

شکی نیست که وقتی افراد برای نوشتن داستان پیچیده‌ای مثل زندگی ابراهیم در کتاب پیدایش وقت می‌گذاشتند اهداف و انگیزه‌های زیادی داشتند. حتما می‌خواستند که داستان‌های‌شان از چندین جهت روی مخاطبان‌شان تاثیر بگذارند. در واقع، وقتی موسی زندگی ابراهیم را می‌نوشت، اهداف چند جانبه‌ای داشت که امکان ندارد کاملاً از آنها سر در بیاوریم و نمی‌شود همه آنها را در چند جمله بیان کرد. در عین حال، این امکان وجود دارد که مهم‌ترین معنای ضمنی‌ای که موسی امید داشت خواندگانش از میان داستان‌های او درباره‌ی زندگی ابراهیم استنباط کنند را خلاصه کرد.

ما اهداف اصلی زندگی ابراهیم را در سه مرحله بررسی می‌کنیم. اول، تاثیر اصلی‌ای که در نظر گرفته شده بود تا این داستان‌ها بر خوانندگان اولیه بگذارند را توضیح می‌دهیم. دوم، خواهیم دید که تاثیر این داستان‌ها چگونه در چهار موضوع اصلی زندگی ابراهیم بسط می‌یابد. و در مرحله سوم، محتوای اصلی هر کدام از پنج مرحله از داستان‌های موسی درباره‌ی ابراهیم را خلاصه خواهیم کرد. بیایید اول به تاثیر اصلی در نظر گرفته شده برای این داستان‌ها نگاهی بیندازیم.

تاثیر اولیه

به عبارت کلی، می‌توانیم هدف داستان ابراهیم را به این شکل خلاصه کنیم: موسی درباره‌ی ابراهیم نوشت تا به اسرائیلیان بیاموزد که چرا و چگونه باید آنها مصر را پشت سر گذاشته، به جلو و به سمت تسخیر سرزمین وعده پیش بروند. به عبارت دیگر، با مشاهده سابقه تاریخی زندگی خود در ابراهیم، یافتن الگوها و نمونه‌هایی برای اطاعت یا پرهیز در داستان‌های ابراهیم و نیز تشخیص اینکه چگونه زندگی او پیش‌سایه‌ای از زندگی

آن‌هاست، اسرائیلیان پیرو موسی می‌توانستند به راه‌های رسیدن به هدفی که خدا برای‌شان در نظر داشت دست یابند.

گرچه بر اساس گواهی کتاب مقدس و حتی خود مسیح می‌توانیم مطمئن باشیم که کتاب پیدایش از روزگار موسی آمده است، ولی باید توجه داشته باشیم که نمی‌توانیم قاطعانه مطمئن باشیم که موسی در چه زمانی این داستان‌ها را آن‌گونه که امروز در دست ماست، تمام کرده است. در هر حال، با اطمینان می‌توانیم بگوییم مسئله اصلی که موسی در حین نوشتن تاریخ ابراهیم به آن توجه می‌کرد، برای هر دو نسل خیلی آشنا بود. او از ابراهیم نوشت تا قلب‌های آنان را از مصر به سوی در اختیار گرفتن سرزمین وعده برگرداند.

به سختی می‌توان بر این معنی ضمنی درباره خوانندگان اولیه، بیش از حد تاکید کرد. موسی این مطالب را نوشت تا قوم اسرائیل که او را پیروی می‌کردند هرگز به عقب و به سوی مصر باز نگردند و در فتح سرزمین کنعان موفق شوند و این معانی ضمنی ما را هدایت می‌کنند تا زندگی ابراهیم را به زندگی امروزی خود ربط دهیم. ما مسیحیان در یک سفر هستیم، سفری که در واقع پایان‌بخش سفر آغاز شده اسرائیل در زمان موسی است. ما به طرف آسمان و زمین جدید در حرکت هستیم. پس برای اینکه ما داستان‌های ابراهیم را به درستی به زندگی خود ربط دهیم، باید به این امر توجه کنیم که این داستان‌ها به چه طریقی آنها را در طی سفرشان به سوی کنعان هدایت می‌کردند.

برای فهم بهتر این مطلب، باید با مراجعه به چهار موضوع اصلی که قبلاً آنها را در این بخش از پیدایش معرفی کردیم، اهداف موسی را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم.

مضامین اصلی

به یاد می‌آوردید که قبلاً در این درس عنوان کردیم که پیدایش ۱۲: ۱-۳ حداقل چهار موضوع را بیان می‌کند که به این بخش از تاریخ پدران اولیه انسجام می‌بخشند. این چهار موضوع یا مضمون تاثیر اصلی که موسی در نظر داشت داستان‌هایش داشته باشند را مطرح می‌کنند. اول، او بر فیض الهی نسبت به ابراهیم تمرکز می‌کند. دوم، بر وفاداری ابراهیم متمرکز می‌شود. سوم، او به موضوع برکت به ابراهیم توجه می‌کند و چهارم، بر برکت از طریق ابراهیم، تمرکز می‌کند. این امر کمک می‌کند که به هدف اصلی و اولیه موسی از نوشتن این چهار مضمون از زندگی ابراهیم فکر کنیم.

فیض الهی

در مرحله اول، موسی از انواع مصادیقی می‌نویسد که خدا رحمتش را به ابراهیم نشان داد. در نگاه کلی، قبلاً دیدیم که خدا ابراهیم را هم در سال‌های اولیه رابطه‌اش با خدا و هم در طول زندگی‌اش هر روزه و مرتباً مورد

فیض عظیمش قرار داده است. مضمون فیض الاهی به این منظور تدوین شده بود تا به اسرائیلیان روزگار موسی یادآور شود که خدا آنها را نیز بسیار مورد رحمت قرار داده است. خدا وقتی آنها را از مصر به سینا آورد برای اولین بار آنها را مورد فیض خود قرار داد. و هر روزه رحمتش را به آنان نشان داد، حتی رحمت خدا زمانی که آنها را برای غلبه بر کنعانیان آماده می‌ساخت دیده می‌شود.

شاخص‌ترین آیه‌ای که خدا در خروج ۱۹: ۴ در سینا گفت این‌گونه از فیض خدا می‌گوید:

شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام (خروج ۱۹: ۴).

مایهٔ تأسف است که اسرائیلیانی که موسی آنها را هدایت می‌کرد، فراموش کرده بودند خدا چقدر آنها را مورد رحمت قرار داده است. اوایل شکایت می‌کردند که خدا و موسی با دور کردن آنها از رفاهی که در مصر داشتند، آنها را فریب داده‌اند. به خاطر غذا و آب در صحرا شکایت می‌کردند. وقتی که خداوند از آنها خواست که سرزمین وعده را تسخیر کنند فکر می‌کردند از آنها چیز زیادی می‌خواهد. بنابراین موسی مکرراً بر راه‌هایی که خدا رحمتش را به آنان نشان داده بود تاکید می‌کرد تا به خوانندگان اولیه‌اش یادآوری کند که خدا به چه نحو آنها را برکت داده است و رحمت‌هایی که خدا بارها و بارها به آنان نشان داده بود را به خاطر آورند.

وفاداری ابراهیم

در مرحلهٔ دوم، دیدیم که موسی همچنین، با معطوف کردن توجه بر شیوه‌های مختلفی که خدا به وسیلهٔ آنها ابراهیم را مسئول اطاعت از فرامینش می‌کرد، بر وفاداری ابراهیم تاکید کرد. موسی بارها تاکید کرد که خدا از پاتریارک (ابراهیم) انتظار داشت که به فرامین او پایبند باشد چون این توجه دربارهٔ اسرائیلیانی که او را پیروی می‌کردند نیز صادق بود. این تمرکز بر درخواست وفاداری خطاب به اسرائیل زمان موسی نیز بود. ببینید خدا چگونه اسرائیل را در خروج ۱۹: ۴-۵، در سینا مخاطب قرار داد:

شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته نزد خود آورده‌ام و اکنون اگر آواز مرا فی‌الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگه دارید همانا خزانهٔ خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود. (خروج ۱۹: ۴-۵)

توجه کنید که برکت خزانه خاص بودن به وفاداری اسرائیل بستگی داشت. گرچه خدا به قوم رحمت زیادی نشان داده بود، موقعیت هر شخص از هر نسل بستگی به این داشت که چگونه به فرامین خدا پاسخ دهد. حال، همانطور که دیدیم، مهم‌ترین مسئولیتی که به ابراهیم سپرده شد، رفتن به زمین کنعان بود. موسی بر این مسئولیت تاکید می‌کرد چون می‌خواست اسرائیلی که پیرو او بود نیز مسیر سرزمین کنعان را ادامه دهد. و البته، موسی از سایر مسئولیت‌های ابراهیم نیز نوشت تا به اسرائیلیان روزگار خود سایر مسئولیت‌های‌شان را بیاموزد. درخواست‌های وفاداری زیادی که از ابراهیم شد آشکارا از این حقیقت می‌گفت که خوانندگان اولیه نیز باید در قبال فرامین خدا وفادار و پایبند باشند.

برکت به ابراهیم

در مرحله سوم، به اهمیت موضوع برکت خدا به ابراهیم نیز پی‌بردیم. موسی در داستان‌هایش درباره ابراهیم بر وعده برکت، قومی عظیم، ثروت و نامی بزرگ برای ابراهیم و ذریتش، تمرکز می‌کند و حتی در چندین مورد شاهد هستیم که ابراهیم چند نمونه از این برکات را در زمان حیات خود تجربه می‌کند و در بسیاری موارد دیگر داستان‌های ابراهیم بر تحقق این برکات در آینده برای نسل‌های آتی صحنه می‌گذارند. موسی این‌گونه بر برکات ابراهیم تمرکز می‌کند چون این وعده‌ها شامل ذریت ابراهیم یعنی قوم اسرائیلی که موسی آنها را رهبری می‌کرد، نیز می‌شدند. به قوم اسرائیل نیز برکتی عظیم وعده داده شده بود که وقتی به سرزمین وعده داخل شوند، قومی عظیم خواهند شد، ثروت بی‌نظیری خواهند داشت و نامی بزرگ خواهند یافت.

در واقع درست مثل ابراهیم، اسرائیل نیز در زمان نوشته شدن کتاب خروج، نمونه‌های زیادی از این برکات را تجربه کرده بود. آنها قبلاً شاهد تحقق بعضی از این وعده‌ها در زمان خود بودند. با این حال، هنوز بسیاری از این وعده‌ها در آینده، زمانی که داخل سرزمین وعده می‌شدند، تحقق می‌یافتند. خدا در خروج ۱۹: ۶ به این شکل از این وعده‌های آتی برای اسرائیل در سینا سخن گفت:

و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود. (خروج ۱۹: ۶)

موسی از برکاتی که خدا به ابراهیم داده بود نوشت تا اسرائیل زمان خود را امیدوار کند. وقتی آنها وعده‌های خدا به پاتریارک (ابراهیم) را می‌خواندند، می‌توانستند به وضوح ببینند که خدا چگونه برکات عظیمی برای آنها نیز ذخیره کرده است.

برکت از طریق ابراهیم

در مرحله چهارم، همچنین دیدیم که داستان‌های ابراهیم نشان می‌دهند که برکات خدا از طریق پاتریارک (ابراهیم) برای همه جهان خواهد بود. همان‌طور که به یاد دارید، برکت از طریق ابراهیم به سادگی صورت نمی‌گیرد. در پیدایش ۱۲: ۳ می‌بینیم که خدا از طریق برکت دادن به دوستان ابراهیم و لعنت دشمنانش، ابراهیم را کامیاب می‌کند. در رویدادهای مختلف، موسی اشاره می‌کند که خدا چگونه در طول حیات ابراهیم در زمان برخورد و تعاملش با اقوام دیگر که نمایندگانی از ملل مختلف بودند، نمونه‌هایی از این روند را به او نشان داد و در مواردی موسی، در داستان‌هایش از زندگی ابراهیم، اشاره می‌کند که بسیاری از این وعده‌ها در آینده تحقق می‌یابند.

موسی بر این درونمایه تاکید می‌کند چون این امر برای قوم اسرائیلی که در آن زمان او را پیروی می‌کردند بسیار آشکار و مبرهن بود. خدا به آنها اطمینان داد که باعث برکت دیگران خواهند شد چون او دوستان آنها را برکت می‌داد و دشمنان‌شان را لعنت می‌کرد. آنها نیز در زمان خود نمونه‌هایی تحقق یافته از این وعده‌ها را در روابطشان با گروه‌های مختلف مردم دیده بودند. آنها قبلا در مواردی دیده بودند که خدا کسانی را که دوست‌شان بودند برکت داده و دشمنان‌شان را لعنت کرده بود و علاوه بر این، موسی بر این موضوعات تمرکز می‌کرد تا چشمان اسرائیلیان را به سمت تحقق وعده‌ها در آینده، زمانی که به سرزمین وعده داخل می‌شدند و ملکوت خدا را تا انتهای زمین می‌گستراندند، بازگرداند. همان‌طور که در خروج ۱۹: ۶ می‌بینیم خدا به اسرائیل چنین می‌گوید:

شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود (خروج ۱۹: ۶).

این منظر از قوم به عنوان مملکت یا پادشاهی کهنه صرفا بر برکت یافتن قوم مقدس و مطیع خدا و برتری بر سایرین دلالت نمی‌کند بلکه این نکته را نیز خاطر نشان می‌کند که فرزندان اسرائیل اهداف خدا را در سراسر جهان به انجام می‌رسانند. زمانی که موسی اسرائیل را به سمت سرزمین وعده حرکت می‌داد داستان‌هایش درباره اسرائیل طوری طرح‌ریزی شده بود که این دیدگاه را در آنان به وجود می‌آورد که چگونه خدا از اسرائیل برای گسترش ملکوت خود و در نتیجه، برکتش برای همه جهان استفاده می‌کند.

حال که به معنای ضمنی چهار موضوع اصلی زندگی ابراهیم برای خوانندگان اولیه پی بردیم، بیایید با نگاه به هر مرحله اصلی از ساختار زندگی پاتریارک (ابراهیم)، آنگونه که در پیدایش آمده است، مختصرا تاثیر داستان‌های ابراهیم بر خوانندگان اولیه را جمع‌بندی کنیم.

پنج مرحله

به یاد دارید که داستان زندگی ابراهیم به پنج مرحله اصلی تقسیم می‌شدند. اول، پیشینه و تجربیات اولیه ابراهیم در ۱۱: ۱۰ تا ۱۲: ۹؛ دوم، تعاملات اولیه ابراهیم با نمایندگان سایر ملت‌ها در ۱۲: ۱۰ تا ۱۴: ۲۴. سوم، عهدی که خدا با ابراهیم بست ۱۵: ۱ تا ۱۷: ۲۷. چهارم، روابط و تعاملات متاخرتر ابراهیم با نمایندگان سایر ملل در ۱۸: ۱ تا ۲۱: ۳۴ و پنجم، اعقاب ابراهیم و مرگ او در ۲۲: ۱ تا ۲۵: ۱۸.

هر کدام از این مراحل اصلی به چند بخش یا وقایع جزئی‌تر تقسیم می‌شوند. ما مختصراً محتوا و بعضی معانی ضمنی‌ای که این وقایع برای خوانندگان اولیه موسی در بر داشت را خلاصه می‌کنیم.

پیشینه و تجارب اولیه

اولین مرحله زندگی ابراهیم یعنی پیشینه و تجربیات اولیه، چندین ویژگی از خانواده ابراهیم و زمان اولین دعوت خدا از او به خدمت را گزارش می‌کند. در کل، موسی این اولین مرحله را طرح‌ریزی کرد تا به خوانندگان اولیه اسرائیلی‌اش نشان دهد که چگونه می‌توانند از این حوادث زندگی ابراهیم به سابقه خانوادگی خود و دعوت خدا از آنها پی ببرند.

این اولین مرحله به سه واقعه یا بخش تقسیم می‌شود. زندگی ابراهیم با شجره‌نامه‌ای که خاندان محبوب الاهی ابراهیم را نشان می‌دهد، در ۱۱: ۱۰-۲۶ آغاز می‌شود. این آیات ثابت می‌کنند که ابراهیم در میان خانواده سام، خانواده‌ای که موقعیت مطلوبی نزد خدا به عنوان قوم خاص برگزیده خدا داشت، شخصیت بسیار مهمی بود. این شجره‌نامه باید به طور مرتب به خوانندگان اسرائیلی اولیه موسی یادآوری می‌شد که آنها نیز به عنوان زنجیره خانوادگی ابراهیم، در این موقعیت مطلوب شریک‌اند. آنها قوم خاص برگزیده خدا بودند.

دومین مرحله از سابقه و تجربیات اولیه ابراهیم شجره‌نامه دیگری است که در ۱۱: ۲۷-۳۲ آمده است. به طور خلاصه این بخش نشان می‌دهد که تارح به عنوان یک بت‌پرست سعی داشت به سرزمین کنعان برود اما شکست خورد. خوانندگان اولیه موسی بی‌شک به شباهت شرایط ابراهیم و شرایط خودشان پی برده بودند. والدین آنها گرفتار بت‌پرستی بودند و آنها نیز در رسیدن به سرزمین کنعان شکست خورده بودند، بنابراین همانطور که لازم بود ابراهیم از تکرار ضعف پدر خود پرهیز و خودداری کند، اسرائیلیانی که موسی را پیروی می‌کردند نیز باید از تکرار اشتباهات پدران و مادران خود، یعنی بت‌پرستانی که اولین نسل مهاجرانی بودند که در رسیدن به کنعان شکست خوردند، اجتناب می‌کردند.

در ۱۲: ۱-۹ از سابقه و تجربیات اولیه ابراهیم به داستان مهاجرت ابراهیم به کنعان می‌رسیم. خدا از ابراهیم خواست که به سرزمین کنعان برود و ابراهیم علی‌رغم سختی‌های بسیار از فرمان او اطاعت کرد. به طرز

مشابهی، خدا از خوانندگان اولیه اسرائیلی موسی خواست که به سرزمین کنعان بروند. آنها نیز علی‌رغم سختی‌های زیاد از او اطاعت کردند. در نتیجه داستان مهاجرت ابراهیم به کنعان معانی ضمنی مبتکرانه و خلاقانه‌ای در بر داشت. اسرائیلیان زمان موسی باید در پی قدم‌های ابراهیم می‌رفتند و همانطور که او به سمت زمین کنعان مهاجرت کرد، آنان نیز مهاجرت می‌کردند.

با این سه بخش، موسی زندگی ابراهیم را آغاز می‌کند و خوانندگان اولیه خود را در زمانی که در خدمت‌شان به خدا با چالش‌هایی روبرو بودند به طور خاصی هدایت می‌کند.

روابط اولیه با دیگران

دومین مرحله اصلی در روایت زندگی ابراهیم بر تعاملات اولیه ابراهیم با دیگران متمرکز می‌شود. این باب‌ها برخورد پاتریارک (ابراهیم) با گروه‌های دیگری از مردم را به طرق مختلف نشان می‌دهد تا خوانندگان اولیه اسرائیل را در برخوردشان با سایرین هدایت کند.

در واقعه اول، موسی رهایی ابراهیم از مصر را در پیدایش ۱۲: ۱۰-۲۰ شرح می‌دهد. به یاد می‌آورید که پاتریارک (ابراهیم) به خاطر قحطی موقتا در مصر ساکن شد، اما خدا با فرستادن بلایا بر خانه فرعون او را از اسارت مصریان آزاد کرد. به خاطر رهایی عظیم خدا، ابراهیم با ثروتی عظیم مصر را ترک کرد و هرگز به آنجا برنگشت. ابراهیم آشکارا فهمید که مصر خانه او نیست.

خوانندگان اسرائیلی اولیه موسی می‌توانستند ببینند که تجربیات آنان بسیاری از جنبه‌های داستان ابراهیم را منعکس می‌کند. آنها مجبور شدند به خاطر قحطی به مصر بروند، آنها نیز وقتی خدا بلایا را بر مصریان وارد آورد رهایی یافته بودند و با چپاول ثروتی عظیم از مصریان، مصر را ترک کرده بودند. متأسفانه هنگامی که اسرائیلیان در طول سفرشان با سختی‌ها مواجه می‌شدند، بیشتر آنها شروع به آرمانی جلوه دادن زندگی در مصر می‌کردند و می‌خواستند برگردند. این واقعه باید برای خوانندگان اولیه روشن می‌کرد که مصر خانه آنها نبود. آنها باید به یاد می‌آوردند که خدا چگونه با فیض آنان را آزاد کرد و آنها مصریان را پشت سر گذاشتند.

دومین بخش از روابط اولیه ابراهیم با دیگران، داستان کشمکش او با لوط، در ۱۳: ۱-۱۸ آمده است. این داستان معروف نزاع بین مردان ابراهیم و مردان لوط است، این زمانی است که دو گروه بر سر منابع طبیعی برای گوسفندان‌شان با هم درگیر شدند. در این نزاع ابراهیم با مهربانی با لوط رفتار کرد، به لوط اجازه داد که با آرامش در زمین‌هایی که خود او انتخاب کرد زندگی کند. خوانندگان اولیه پیدایش مشکل زیادی در درک مفهوم این داستان برای خود نداشتند. طبق تشبیه باب ۲، وقتی آنها به سوی سرزمین وعده حرکت می‌کردند، موسی به اسرائیلیان دستور داد که با ذریت لوط با مهربانی رفتار کنند و به آنان اجازه دهند که در آرامش در سرزمین‌های نیاکان‌شان زندگی کنند. در واقع رفتار مهربانانه ابراهیم در مورد لوط نشان داد که اسرائیلی‌ها چگونه با موآبیان زمان خود برخورد کنند.

سومین واقعه از روابط اولیه ابراهیم با دیگران در داستان‌های نجات لوط توسط ابراهیم در ۱۴: ۱-۲۴ آمده است. این مجموعه داستان توضیح می‌دهد که چگونه ابراهیم پادشاهان ستمگر و قدرتمندی که از دوردست‌ها آمده بودند را شکست داد و چگونه با آزاد کردن لوط از دست این پادشاهان ستمگر بیش از پیش لوط را مورد لطف قرار داد. این داستان با صراحت بیشتری با اسرائیلیان پیرو موسی سخن می‌گفت. زمانی که قوم اسرائیل از زمین موآبیان و عمونیان که از نوادگان لوط بودند، می‌گذشتند لشکر اسرائیل سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشان که هر دوی آنها بر موآبیان و عمونیان ستم می‌کردند را شکست داد. با نجات موآبیان و عمونیان به این طریق، اسرائیل از ابراهیم که به عنوان الگو برای آنها مقرر شده بود پیروی کردند.

بنابراین در هر واقعه این مرحله از زندگی ابراهیم، ابراهیم به عنوان الگویی برای پیروی اسرائیل در روزگار آنان ارائه می‌شد.

عهد با خدا

حال به سومین مرحله اصلی از زندگی ابراهیم یعنی عهدی که خدا در ۱۵: ۱ تا ۱۷: ۲۷ با ابراهیم بست می‌رسیم. به عبارت کلی، این مرحله بر عهد خدا با پاتریارک (ابراهیم) تمرکز می‌کند طوری که ماهیت رابطه عهد اسرائیل با خدا را نشان می‌دهد. این باب‌ها به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند.

اولین واقعه به طور خاص بر وعده عهد خدا با ابراهیم در ۱۵: ۱-۲۱ توجه ویژه‌ای دارد. این باب روایت معروفی از زمانی است که خدا وارد عهد با ابراهیم شد. خدا وعده داد که به ابراهیم، فرزندان و زمین اعطا می‌کند. علی‌الخصوص خدا وعده داد که ابراهیم صاحب ذریت بی‌شماری می‌شود و پس از مدت‌ها بدرفتاری که با آنان در سرزمین بیگانه می‌شد، ذریت ابراهیم به سرزمین وعده برگردانده می‌شوند و این بخش مدنظر داشت تا به اسرائیلیان یاد آور شود که خدا، عهدی مشابه از طریق موسی با اسرائیل بسته است. و علاوه بر این، به آنان نشان می‌داد که خود آنها تحقق وعده‌های خدا به ابراهیم را تجربه می‌کردند. اسرائیلیان همان ذریت وعده داده شده به ابراهیم بودند و آنها درست به همان سرزمینی که خدا به پدر آنها داده بود برگردانده می‌شدند. شک به این حقایق، شک به وعده‌های عهد فیض‌آمیزی بود که خدا با ابراهیم بسته بود و توسط موسی دوباره بر آن تاکید می‌شد.

دومین واقعه‌ای که بر عهد خدا با ابراهیم تمرکز می‌کند، ضعف ابراهیم در مورد هاجر بود که در ۱۶: ۱-۱۶ آمده است. این داستان غم‌انگیز یادآور می‌شود که چگونه ابراهیم و سارای با تلاش برای بچه‌دار شدن از هاجر، کنیز مصری سارای، از عهد وعده خدا منحرف شدند. ابراهیم و سارای در توکل به عهد وعده خدا شکست خوردند، اما خدا با نپذیرفتن کودک یعنی اسمائیل به عنوان فرزند حقیقی ابراهیم، نقشه چاره‌جویانه آنان را رد کرد. خوانندگان اولیه موسی بارها از عهد وعده خدا منحرف می‌شدند و طالب رفاهی بودند که در مصر داشتند و این

داستان از زندگی ابراهیم به آنان یاد داد که همانطور که نقشه ابراهیم رد شد، چاره‌جویی‌های آنها برای نقشه خداوند نیز رد می‌شود.

سومین واقعه که بر عهد خدا با ابراهیم اشاره می‌کند، روایت ملزومات عهد است که در ۱۷: ۱-۲۷ آمده است. در این بخش، خدا ابراهیم را با ضعف خود روبرو می‌کند تا از نقشه خدا تبعیت کند. خداوند همچنین با بنیان گذاشتن ختنه به عنوان نشان عهد که در مورد ابراهیم و پسرانش انجام شد، باز بر لزوم وفاداری عهد تاکید کرد. با این نشان، خدا به ابراهیم یادآوری کرد که عهد رابطه او مستلزم مسئولیت وفاداری است و اینکه وفاداری برکتی عظیم در پی دارد. موسی این جنبه از عهد ابراهیم را با جزئیات شرح داد که اسرائیلیان زمان خود را با اشتباهاتشان روبرو کند تا وفادار بمانند و باز بر لزوم عهد وفاداری اسرائیلیان تاکید کرد. وفاداری اسرائیلیان به عهد خدا تنها شرطی بود که آنها را محق می‌کرد تا نسبت به دریافت برکات عظیم خدا امیدوار باشند.

در نتیجه، بخش عمده زندگی ابراهیم، یعنی عهد او با خدا توجه را به موهبت وعده‌های حیرت‌انگیز خدا به اسرائیل جلب می‌کند. اما همچنین شدیداً به خوانندگان یادآوری می‌کند که موظف هستند در خدمت به عهدشان با خدا وفاداری نشان دهند.

روابط متاخر با دیگران

حال به چهارمین مرحله از زندگی ابراهیم رسیدیم یعنی روابط متاخر او با دیگران که در ۱۸: ۱ تا ۲۱: ۳۴ آمده است. در این باب‌ها ابراهیم با افراد مختلفی مواجه می‌شود که به مردمی که در روزگار موسی زندگی می‌کردند مربوط می‌شدند. ابراهیم به کنعانیان ساکن سدوم و عموره، لوط، ابی‌ملک و اسمائیل بر می‌خورد. به طور کلی، برخورد ابراهیم با این افراد به اسرائیل یاد داد که چگونه با کنعانیان، موآبیان و امونیان و فلسطینیان و اسمائیلیان زمان خود تعامل کنند.

اولین داستان این بخش از زندگی ابراهیم روایت سدوم و عموره است که در ۱۸: ۱ تا ۱۹: ۳۸ آمده است. این حکایت معروف از تهدید داوری الهی علیه شهرهای کنعانیان شریب روایت می‌کند و از توجه ابراهیم به عادلان این شهرها، نابودی این شهرها و همچنین نجات لوط می‌گوید. این حوادث مستقیماً از موقعیتی که خوانندگان اولیه موسی با آن روبرو بودند سخن می‌گفتند و به آنها کمک می‌کردند تا بفهمند که بر سر مردمانی که در روزگار آنان زندگی می‌کنند چه خواهد آمد: تهدید کنعانیان از جانب خدا، نگرانی از حال عادلانی که در میان کنعانیان زندگی می‌کردند (مثل راحاب که او را در اریحا ملاقات کردند)، نابودی که قطعاً بر سر شهرهای کنعان می‌آمد، و رابطه‌شان با ذریت لوط یعنی موآبیان و عمونیان.

دومین بخش از روابط متاخر ابراهیم با دیگران در ۲۰: ۱-۱۸ به چشم می‌خورد. در این داستان، ابراهیم بار دیگر به یکی از ساکنان آن سرزمین به نام ابی‌ملک فلسطینی بر می‌خورد. به یاد دارید که ابی‌ملک با گرفتن

سارای از ابراهیم، بی‌آنکه بداند همسرش است، آینده ابراهیم را تهدید کرد. پس خدا ابی‌ملک را داوری کرد و ابی‌ملک با توبه از اعمالش ثابت کرد شخص عادل است. در نتیجه این توبه، ابراهیم در حضور خدا شفاعت کرد و ابراهیم و ابی‌ملک از تداوم صلح و دوستی با هم لذت بردند.

این داستان با اسرائیلیان زمان موسی از نوع برخوردی که باید با فلسطینیان زمان خود داشته باشند سخن می‌گفت. فلسطینیان به طرق مختلف اسرائیلیان را تهدید می‌کردند اما وقتی تهدید داوری خدا توبه فلسطینیان را در پی داشت، اسرائیلیان به طرفداری از آنها شفاعتشان را کردند و از تداوم صلح با آنها لذت بردند. سومین روایت از این بخش، در ۲۱: ۱-۲۱ یافت می‌شود که بر رابطه پرتنش بین اسحاق و اسمائیل اشاره دارد. اسحاق و اسمائیل هر دو پسران ابراهیم بودند، اما وقتی کدورت بین آنان بالا گرفت خدا به ابراهیم دستور داد که اسمائیل را از خانواده جدا کند. با اینکه خدا اسمائیل را برکت داد اما این نکته را کاملاً روشن کرد که اسحاق تنها وارث برحق ابراهیم است. در حالی که موسی خوانندگان اسرائیلی اولیه‌اش را از این حوادث آگاه می‌ساخت به آنان کمک می‌کرد که به ماهیت رابطه‌شان با اسمائیلیان زمان خود پی ببرند. زمانی که کدورت بین بنی‌اسرائیل و اسمائیلیان بالا گرفت، اسرائیلی‌ها باید به یاد می‌آوردند که خدا دستور جدایی بین آنها را داده بود. گرچه خدا اسمائیلیان را از بسیاری جهات برکت داد اما اسرائیلیان وارثان حقیقی ابراهیم بودند.

چهارمین واقعه از روابط متاخر ابراهیم با دیگران در داستان معاهده ابراهیم با ابی‌ملک در ۲۲-۳۴ آمده است. این داستان نشان می‌دهد که چگونه ابی‌ملک فلسطینی اقرار می‌کند که خدا نسبت به ابراهیم لطف دارد و چگونه ابراهیم موافقت کرد که با ابی‌ملک و ذریت او در صلح به سر برد و داستان ادامه می‌یابد تا اینکه شرح می‌دهد که چگونه جر و بحث بر سر حق و حقوق آب مواشی ابراهیم بالا می‌گیرد و چگونه ابی‌ملک و ابراهیم با درخواست‌های مؤدبانه و محترمانه دو طرف در بئرشبع وارد معاهده‌ای رسمی شدند.

ابی‌ملک و فرماندهانش رفتار متین فلسطینیان هم عصرشان را به یاد موسی و اسرائیلیان می‌انداختند. در اینجا موسی به پیروانش یاد داد که اگر فلسطینیان به موهبت خدا به اسرائیل معترف باشند پس اسرائیل باید ابراهیم را الگوی خود قرار دهد و با آنها صلح کند. بئرشبع معروف، در دوران موسی هنوز وجود داشت و عهد بسته شده را به یاد اسرائیل می‌آورد و به آنها یادآور می‌شد که چگونه باید با فلسطینیان در پی صلح و احترام متقابل باشند.

پس می‌بینیم که داستان‌های روابط متاخر ابراهیم، شخصیت‌های زیادی را شامل می‌شد که مشابه مردمی بودند که موسی و اسرائیل با آنها برخورد می‌کردند. با بررسی طرز تعامل و برخورد ابراهیم، اسرائیلیان می‌توانستند درس‌های زیادی برای زمان خود بیاموزند.

ذریّت و مرگ

حال به بخش پایانی یادداشت موسی از زندگی ابراهیم یعنی ذریّت و مرگ او، که در پیدایش ۲۲: ۱ تا ۲۵: ۱۸ آمده است می‌رسیم. این وقایع بر میراث ابراهیم که رابطه‌ی عهدی او با خدا را به نسل‌های بعد گسترش می‌دادند می‌پردازد. به عبارت کلی، اسرائیلیانی که اولین بار این داستان‌ها را از موسی دریافتند باید چیزهای زیادی از موقعیت خودشان به عنوان وارث ابراهیم می‌دانستند و از امیدى که برای میراث خود داشتند آگاه باشند.

اولین واقعه در این بخش از زندگی ابراهیم، داستان معروف امتحان ابراهیم است که در ۲۲: ۱-۲۴ آمده است. این امتحانات ترتیب داده شده بود تا معلوم شود که ابراهیم خدا را بیشتر از پسرش اسحاق دوست دارد. خدا امتحان سختی را انتخاب کرد؛ از ابراهیم خواست که پسرش را قربانی کند. ابراهیم اطاعت کرد و خدا به ابراهیم اطمینان داد که این اطاعت او آینده‌ی بسیار روشنی برای اسحاق در پی خواهد داشت.

گرچه این داستان معنای ضمنی بی‌شماری برای اسرائیلیان زمان موسی داشت، اما مشخصه‌ی بارز داستان این بود که به آنان یادآور می‌شد که خدا قوم اسرائیل را امتحان می‌کند تا عمق وفاداری آنان را بسنجد. خدا امتحانات زیادی برای قوم اسرائیل زمان موسی در نظر گرفت و رضایت ابراهیم از امتحانش، لزوم پذیرش امتحانات‌شان را به آنان گوشزد کرد. مهم نبود که این آزمایش‌ها چقدر دشوار باشند. تأیید آینده‌ی بسیار روشن برای اسرائیل به عنوان نسل بعد از ابراهیم، به یاد اسرائیلیان می‌آورد که خود آنان نیز، اگر از این امتحانات سربلند بیرون بیایند، آینده‌ی بسیار روشنی خواهند داشت.

دومین واقعه از آخرین بخش زندگی ابراهیم، داستان خرید ملکی برای تدفین توسط ابراهیم است که در ۲۳: ۱-۲۰ آمده است. این داستان توضیح می‌دهد که چگونه ابراهیم زمانی که همسرش سارای درگذشت صاحب آرامگاه خانوادگی در حبرون شد. این حکایت تأکید می‌کند که ابراهیم این ملک را به عنوان هدیه نپذیرفت بلکه آن را خرید. این سند مالکیت به خانواده‌ی او این حق قانونی را می‌داد که زمین کنعانیان را سرزمین آبا و اجدادی خود بدانند.

اسرائیلیان پیرو موسی از اهمیت و معنی ضمنی خرید این آرامگاه برای خود آگاه بودند. آنجا محل دفن نیاکان‌شان بود. ابراهیم، اسحاق و یعقوب همه آنجا دفن شده بودند. آنها فهمیدند که آنجا ملک حقوقی آنان در آن سرزمین است. حتی قبل از آنکه تسخیر شود ابراهیم، اسحاق و یعقوب بیشتر عمرشان را آنجا و اطراف حبرون سپری کردند. اسرائیلیان به حبرون به عنوان سرزمین آبا و اجدادی‌شان بسیار متعهد بودند طوری که حتی استخوان‌های یعقوب را برای تدفین به حبرون برگرداندند. این داستان در مورد خرید زمین برای تدفین توسط ابراهیم نشان می‌داد که هیچ کجا به جز زمین کنعان محل مناسبی برای ذریّت او نبود.

سومین واقعه از اعقاب و مرگ ابراهیم، داستانی است آموزنده درباره‌ی عروس ابراهیم رفقه که همسر تنها پسرش اسحاق شد، که در ۲۴: ۱-۶۷ آمده است. در این داستان، ابراهیم برای اینکه مطمئن شود اسحاق از فساد

کنعانیان در امان خواهد ماند مصرانه می‌خواهد که اسحاق با زنی از کنعانیان ازدواج نکند. از سوی دیگر، ابراهیم همچنین با فرستادن یکی از خادمانش برای آوردن زنی برای اسحاق، ماندن اسحاق در زمین کنعانیان، سرزمین وعده را حتمی کرد. ابراهیم با پیدا کردن زنی برای اسحاق به این شکل، با لطف خدا آینده بسیار خوبی برای اسحاق و ذریتش تضمین کرد.

اسرائیلیان پیرو موسی باید از این داستان می‌آموختند که اسحاق، جد پدری و واسطه آنان با ابراهیم، با وجود اینکه سرزمین آبا و اجدادی خود را در کنعان حفظ کرد، از فساد کنعانیان به دور ماند. تا وقتی که آنها هم به فساد کنعانیانی که در سرزمین وعده بودند تن در نمی‌دادند، آینده روشن و پر برکت اسحاق، آینده آنان نیز می‌شد. آخرین واقعه از زندگی ابراهیم داستان مرگ و وارث اوست که در ۲۵: ۱-۱۸ آمده است. این مجموعه چندین داستان مختصر از پسران ابراهیم، از زنانی جز سارای را روایت می‌کند. سپس به مرگ ابراهیم می‌پردازد، که در خلال آن اسحاق آخرین برکت را به عنوان وارث قانونی او دریافت می‌کند. سرانجام با یک بخش مقایسه‌ای که ذریت اسمائیل را به طور خلاصه فهرست می‌کند، پایان می‌پذیرد.

این خاتمه برای زندگی ابراهیم، معانی ضمنی بسیاری برای خوانندگان اولیه داشت. این بخش، پسران دیگر ابراهیم را فهرست می‌کند تا آنان را از اسرائیلیان تشخیص دهند. آخرین برکتی که به اسحاق داده شد را مورد تاکید قرار می‌دهد تا به اسرائیلیان پیرو موسی اطمینان بدهد که آنها وارث حقیقی وعده‌های ابراهیم هستند. موسی ذریت اسمائیل را ذکر می‌کند تا هر گونه ادعای اسمائیلیان را که ممکن بود درباره میراث ابراهیم داشته باشند، بی‌اثر کند. موسی با خاتمه بخشیدن به داستان زندگی ابراهیم به این شکل هویت، حقوق و مسئولیت‌های ذریت ابراهیم را، که اسرائیلیانی بودند که او آنها را به سرزمین وعده هدایت می‌کرد، مشخص کرد.

بنابراین می‌بینیم که موسی این داستان‌ها را درباره زندگی ابراهیم نوشت تا به اسرائیلیان تحت رهبری خود پیام‌آموزد که چرا و چگونه آنها باید مصر را ترک کرده و پشت سر بگذارند و به سوی تسخیر زمین وعده پیش بروند. موسی برای رسیدن به این هدف، به شیوه‌های مختلف در هر کدام از وقایع زندگی ابراهیم تاکید می‌کند که چگونه آنها وارث فیضی هستند که به ابراهیم عطا شده؛ چگونه آنها نیز همانطور که ابراهیم مسئول بود مسئول هستند به خدا وفادار باشند؛ چگونه همانطور که ابراهیم از خدا برکت یافت آنان نیز برکت می‌یابند و چگونه روزی همه ملل زمین را برکت خواهند داد. حکایت موسی از زندگی ابراهیم معانی ضمنی بی‌شماری برای اسرائیلیانی که او را به سوی سرزمین وعده پیروی می‌کردند در بر داشت.

نتیجه‌گیری

در این درس به معنی اصلی‌ای که داستان زندگی ابراهیم در پیدایش داشت نگاهی انداختیم. از دو جهت اساسی بر این معنی اصلی نظر انداختیم تا آن را مورد بررسی قرار دهیم: از یک سو، پیوندهایی که موسی بین داستان‌ها و تجربیات اسرائیلیانی که برای‌شان می‌نوشت ایجاد کرد را بررسی کردیم و از سوی دیگر نگاهی انداختیم بر اینکه چگونه موسی داستان‌هایش را ترتیب داد تا بر خوانندگان اولیه‌اش که مصر را ترک کرده و پشت سر گذاشته بودند و به سوی تسخیر کنعان پیش می‌رفتند، تاثیر بگذارد.

همین که به روابطی که موسی بین ابراهیم و خوانندگان اولیه اسرائیلی‌اش ایجاد می‌کرد و تاثیری که انتظار می‌رفت داستان‌های او بر خوانندگانش داشته باشد، بیشتر پی می‌بریم، در خواهیم یافت که چگونه هر کدام از وقایع زندگی ابراهیم می‌خواست اسرائیلی‌ها را هدایت کند. و نیز بهتر می‌توانیم تشخیص بدهیم که چگونه این داستان‌ها باید در زندگی‌های امروز ما به کار گرفته شوند.